



Examining the discourse of governments after the Islamic Revolution of Iran (1357-1392)

Mohammad bagher Mokaramipour ¹

Farzaneh Dashti ²

Bijan Mirzaei³

Abstract

The present research was conducted with the aim of investigating the main elements of the discourse of the government after the Islamic Revolution of Iran, and to explain the main elements of the discourse, Laclau and Mouffe's discourse approach and descriptive books and research articles were used. Since every discourse has signifiers, the findings of the research show that the reformist discourse forms signs such as freedom, legalism, religious democracy, human rights, and having fair and free relations with the whole world around the central signifier of the people. They gave. On the other hand, fundamentalists have formed their semantic system by adding signs such as justice, security, values, cultural invasion, etc. around the central sign of the province.

Key words: Reformism, fundamentalism, discourse, Ernesto Laclau and Chantal Mouffe

¹ PhD student in Political Science/Political Studies of the Islamic Revolution, Shahid University of Tehran, Tehran, Iran. **Bagher.mokarami@ut.ac.ir**

² PhD in Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran. **F.dashti.pol@iauctb.ac.ir**

³ Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Iran. **Bizhan_mirzaee@khoiau.ac.ir**



بررسی گفتمان دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۵۷)

محمدباقر مکرمی پور^۱ - فرزانه دشتی^۲ - بیژن میرزایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی عناصر اصلی گفتمان دولت پس از انقلاب اسلامی ایران انجام گرفته و برای تبیین عناصر اصلی گفتمان از رهیافت گفتمان لاکلائو و موف و به صورت توصیفی از کتاب‌ها و مقالات پژوهشی استفاده شده است. از آنجا که هر گفتمان دارای دال‌هایی است یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان اصلاح‌طلبی دال‌هایی همچون آزادی، قانون‌گرایی، دموکراسی دینی، حقوق بشر و داشتن روابط عادلانه و آزاد با همه جهان را حول دال مرکزی مردم شکل دادند. در مقابل اصول‌گرایان با افزودن دال‌هایی چون عدالت، امنیت، ارزش‌ها، تهاجم فرهنگی و ... حول دال مرکزی ولایت، نظام معنایی خود را شکل داده‌اند.

واژگان کلیدی: اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی، گفتمان، ارنستو لاکلائو و شان‌تال موف

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Bagher.mokarami@ut.ac.ir

F.dashti.pol@iauctb.ac.ir

^۲ دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.

Bizhan_mirzaee@khoiau.ac.ir

^۳ استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، ایران.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران مانند دیگر انقلاب‌ها دارای معیارها و عناصری بوده است که منجر به تمایز آن از سایر انقلاب‌های جهان شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری دولت انقلابی، گفتمان‌هایی در کشور شکل گرفت که هر یک از آن‌ها اصول مدنظر خود را جهت استمرار توسعه سیاسی و اقتصادی داشته‌اند. در پی این امر، گفتمان‌های متفاوت بعد از انقلاب تلاش نموده‌اند تا ضمن حفظ آرمان‌های انقلاب، معیارهای خود را جهت توسعه سیاسی و اقتصادی به کار گیرند. انقلاب اسلامی ایران دارای گفتمان‌های سیاسی متعددی از جمله «گفتمان سازندگی» و «گفتمان اصلاح‌طلبی» نیز بوده است. تقریباً از میانه دهه ۷۰، موضوع اصلاح‌طلب و اصول‌گرا باب شد و رفته‌رفته بر صحنه سیاسی ایران غالب گردید. جناح چپ نام اصلاح‌طلب به خود گرفت و راستی‌ها اصول‌گرا نامیده شدند. در واقع باروی کار آمدن دولت نهم، گفتمانی در جمهوری اسلامی شکل گرفت که بر اساس تأکید بر اصول و ارزش‌های انقلابی و اسلامی و تأکید ویژه بر موضوع عدالت، می‌توان آن را «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌خواه» نامید. این چارچوب با وجود نقاط قوت و ضعف در سال‌های اخیر، همچنان دارای اعتبار ویژه‌ای در صحنه سیاسی ایران است و گرچه احزاب، گروه‌ها، نام‌ها و موضوعات در مقاطع مختلف به لحاظ اسمی متفاوت شده بودند، ولی رقابت اصلی همواره بین این دو جریان بزرگ پابرجا بوده است. جریان اصول‌گرایی ریشه در سنت‌های اسلامی دارد و جریان اصلاح‌طلبی کم‌وبیش گرایش‌های تجددگرایانه و توسعه سیاسی دارد و دال مرکزی آن توسعه سیاسی و دموکراسی است.

ظهور و بروز رویکردهای اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در سپهر انقلاب اسلامی و رقابت آن‌ها برای هژمونیک شدن در عرصه سیاسی کشور، یکی از جذاب‌ترین جلوه‌های تاریخ سیاسی معاصر ایران بعد از وقوع انقلاب اسلامی است. در طی بیش از چهار دهه از وقوع انقلاب، این دو جریان به صورت گفتمان عمل نموده‌اند و هر یک از آن‌ها دارای عناصر

مختص به خود بوده‌اند. پدیده‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در درون گفتمان‌های رایج در یک جامعه شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند. هر جامعه دارای گفتمان‌های مختلف بوده و همواره میان این گفتمان‌ها، نوعی رقابت، کشمکش و نزاع برای غلبه و برتری هر یک بر دیگر گفتمان‌ها وجود دارد. هر گفتمانی از مجموعه‌ای از گزاره‌ها تشکیل شده و در این میان، یک گزاره به‌عنوان دال مرکزی در هسته گفتمان قرار دارد و بقیه گزاره‌ها در اطراف آن آرایش گرفته‌اند. هر گفتمان یک نظام معنایی است که با برجسته کردن خود از طریق تولید خرده گفتمان‌ها، تلاش می‌کند به تمام پدیده‌ها متناسب با دال مرکزی خود، معنا بخشد و با طرد دیگر گفتمان‌ها، غلبه و تسلط گفتمانی خود در جامعه را حفظ نماید. این پژوهش به روش تبیینی به این پرسش پاسخ خواهد داد که عناصر اصلی گفتمان دولت‌های پس از انقلاب اسلامی به چه شکل و با چه ویژگی‌هایی است؟ در ادامه به بررسی گفتمان دولت‌های پس از انقلاب پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

آهنگر و همکاران (۱۳۹۰) با بررسی گفتمان‌های جبهه پایداری و جبهه ی متحد اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۰ نتیجه می‌گیرد که گفتمان جبهه متحد اصولگرایی دال‌های شناور خود یعنی عدالت، معنویت، پیشرفت، خدمت‌رسانی، ارزشها، توسعه‌ی اقتصادی، اسلام و مقاومت را حول دال مرکزی ولایت شکل داده است. در مقابل گفتمان جبهه پایداری انقلاب اسلامی دال‌های شناور معنویت، عدالت، ارزش‌ها، خدمت‌رسانی، مقاومت و عقلانیت را حول دال مرکزی ولایت مفصل بندی کرده است. بای و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله گفتمان‌های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا در ایران (۱۳۹۶-۱۳۹۲) نشان داد که هر دو جناح با توجه به چالشها و اختلافات گفتمانی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و... به تخریب وجهه رقیب پرداخته‌اند و قادر بودند در غیریت‌سازی با بسیاری از نابرابری‌های موجود را در خود طبیعی جلوه دهند.

مجیدی و رحیمی نیا (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم نشان می‌دهد که گفتمان اعتدال در تنازع گفتمانی به دلیل برخورداری از موقعیت سوژگی سیاسی، فعال‌تر و منسجم‌تر، به کارگیری فرایند حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، میزان دسترسی مؤثر و اعتبار بیشتر نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب، هژمونیک شده است.

نتایج حاصل از بررسی صادقی جعفری و احمدی زهرانی (۱۴۰۱)، در مقاله خود تحلیل محتوای سرمقاله روزنامه های اصلاح طلب و اصولگرا از منظر تاکید بر ارزش های نوسازی (مطالعه موردی روزنامه های کیهان و اعتماد) به صورت تصادفی سیستماتیک ۴۰ شماره از هر یک از روزنامه‌ها در سال ۹۷ انتخاب شد و نشان داد ۷۰ درصد سرمقاله های روزنامه کیهان به مقوله سیاست خارجی اختصاص یافته است. در روزنامه اعتماد، ۳۲٫۵ درصد مقوله ها مربوط به مسائل داخلی بوده و تنها ۲۰ درصد به مقوله سیاست خارجی پرداخته است. بررسی واژه -های معنایی نیز حاکی از آن است که واژه برابری ۱۱۰ مرتبه در هر دو روزنامه تکرار شده است که ۷۲ فراوانی به روزنامه اصلاح-طلبان و ۳۸ فراوانی مربوط به روزنامه اصولگرایان بوده است. ارزش عقلانیت و کلمه های هم ردیف آن، ۲۵ فراوانی در روزنامه کیهان و ۱۸ فراوانی در روزنامه اعتماد دارد. به طور کلی ارزش -های نوسازی- به- طور معنی -داری در روزنامه اصلاح-طلبان انعکاس بیشتری دارد. در بخشی از این مقاله مقایسه دیدگاه های دوجناح چنین آمده است:

مقوله	اصلاح طلب	اصولگرا
اقتصاد	تاکید بر استفاده از سیاست مزیت نسبی به جای خودکفائی، اقتصاد آزاد. کاهش تصدی دولت در امور اقتصادی، پیوستن به بازارهای جهانی، توجه به توسعه	خودکفائی، مقاومت در برابر تحریم، توجه به بازار سنتی، تقدم عدالت اجتماعی بر توسعه، خصوصی سازی واحدهای تولیدی

	اقتصادی، افزایش تجارت با کشورهای خارجی و توسعه صادرات	
سیاست خارجی	ارتباط با جهان در قالب عزیمندی، گسترش ارتباطات بین المللی، اعتقاد به اصل گفت وگوهای تمدن‌ها	غرب ستیزی و آمریکا ستیزی، حمایت از کشورهای تحت ستم مسلمان و صدور انقلاب، شکل گیری امت اسلامی، گسترش جبهه مقاومت
سیاست داخلی	مشارکت سیاسی، دموکراسی، توسعه احزاب، برقراری آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های سیاسی در چارچوب قانون، توسعه جامعه مدنی، مشارکت در انتخابات به عنوان یک حق و نه تکلیف، مخالف با نظارت استصوابی	اعتقاد راسخ به ولایت مطلقه فقیه، تداوم انقلابی‌گری و اجرای بدون تغییر ارزش‌های انقلاب اسلامی، اطاعت همه جانبه از رهبران مذهبی، مشارکت در انتخابات و راهپیمایی‌ها به عنوان یک وظیفه دینی
امور اجتماعی و فرهنگی	نظارت بر محصولات فرهنگی بعد از انتشار، حمایت از تولیدات بیشتر فرهنگی، تساهل با اقلیت‌ها، فضای باز اجتماعی، فرهنگی و هنری، دخالت و کنترل کمتر دولت در امور اجتماعی و فرهنگی	نظارت قبل از انتشار محصولات فرهنگی، اعتقاد به وجود تهاجم فرهنگی و لزوم برخورد قاطع با ظواهر آن، حفظ ظاهر یک کشور مذهبی، نظارت اجتماعی و کنترل دقیق تر نهادهای نظارتی و دولتی بر امور اجتماعی و فرهنگی

تحلیل گفتمان: ارنستو لاکلاو و شانتال موف

مقصود از گفتمان، متن، زبان، سخن و یک رویداد ارتباطی و صورت زبانی است که بخشی از یک شبکه پیچیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد. گفتمان‌ها درون خود ویژگی‌ها و رفتارهایی از تمام بخش‌های جامعه اعم از سیاسی، ایدئولوژیکی، اقتصادی و ... دارند. در هر گفتمان دال‌هایی هستند که شناورند و دال‌هایی وجود دارند که برای آن گفتمان جنبه محوری دارد. از دیدگاه فوکو، گفتمان‌ها اعمالی هستند که موضوعاتی را که در مورد آن‌ها سخن می‌گویند شکل می‌دهند. گفتمان‌ها موضوعات را می‌سازند و در فرایند این ساختن مداخله خود را پنهان می‌کنند (Foucault, 1974: 49). ارنستو لاکلاو و شانتال موف در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، نظریه‌ای تحت عنوان نظریه گفتمان را صورت‌بندی کرده‌اند. نظریه گفتمان با ترجیح‌دهی مفضل‌بندی سیاسی و مرکزیت بخشیدن به مقوله هژمونی بنا شده است (Laclau & Mouffe, 2001: 103). این رویکرد نه یک بحث نظری یا روشی صرف، بلکه ساحتی سیاسی و اجتماعی است که لاکلاو و موف از رهگذر تدوین یک استراتژی برای نجات جریان چپ در هنگامه بحران مارکسیسم کلاسیک در پرتو مسائل پدیدآمده جدید، به پرداخت آن مبادرت ورزیده‌اند.

"رهیافت گفتمانی"، بر چگونگی تولید و سامان یافتن تمایزات و کنش‌های ۲ گفتمانی و انکار نقش هر گونه عامل طبیعی و نیز عنصر و کارگزار اجتماعی از قبل موجود در شکل‌گیری و تعریف معانی و هویت‌ها تمرکز دارد. به بیان دیگر، نزد تحلیل‌گر گفتمانی، هویت در گردونه‌ای تنیده شده از "استمرارها" و "عدم استمرارها"، "سنت‌ها" و "بدعتا"، "تکرارها" و "انقطاع‌ها" و در رابطه‌ای بر تافته از مناسبات "در زمانی" و "هم‌زمانی"، "جانشینی" و "همنشینی"، "سازواره" و "ناسازواره"، "عقلانی" و "غیر عقلانی" شکل می‌گیرد (رهبری، ۱۳۸۶: ۹۵-۹۴).

تحلیل گفتمان به عنوان یکی از برجسته‌ترین و اساسی‌ترین روش‌های تحلیل و بررسی در علوم اجتماعی و علوم سیاسی است «گفتمان» به عنوان مجموعه و ساختار مفصل‌بندی از نشانه‌هاست که حول «دال مرکزی» برتر در حال تغییر و گردش است. گفتمان، اگرچه مولود متن است، اما تنها در زمینه اجتماعی معنا و مفهوم می‌یابد و بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند؛ بنابراین، امکان اتصال متن به جامعه فراهم می‌گردد. متن در درجه اول دارای کلیتی است که بدان وابسته است. در داخل متن، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها وجود دارند که به نحوی تثبیت‌شده با یکدیگر مرتبط بوده و در کنار هم کلیتی را تشکیل می‌دهند که «گفتمان» خوانده می‌شود. لاکلائو و موف، این رابطه تثبیت‌شده میان مؤلفه‌ها را «مفصل‌بندی» می‌نامند (Laclau & Mouffe, 1985: 22). دال برتر در مرکز ثقل گفتمان قرار دارد و سایر عناصر و مفاهیم در حول این مرکز با یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند.

نظریه گفتمان ارنستو لاکلائو و شانتال موف در کتاب هژمونی و راهبرد سوسیالیستی: به سوی سیاست رادیکال دموکراسی شکل گرفت. آن چه که تحلیل گفتمانی لاکلائو و موف را از دیگر نظریه‌های گفتمانی متمایز کرد تسدی گفتمان از حوزه فرهنگ، فلسفه و زبان‌شناسی به حوزه سیاست و جامعه است. از نظر این دو اندیشمند هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد، یعنی این که فعالیت‌ها و پدیده‌های سیاسی وقتی قابل فهم هستند که در قالب گفتمانی خاص مورد ارزیابی قرار گیرند (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۹۶). در اندیشه لاکلائو و موف، دال‌های اصلی در زنجیره هم‌ارزی باهم ترکیب می‌شوند. این دال‌ها به تنهایی بی‌معنا هستند تا اینکه در زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که به آن‌ها معنا می‌دهند ترکیب می‌شوند. منطق هم‌ارزی سعی دارد، تمایزات را کاهش داده و با جذب عناصر شناور و تبدیل آن‌ها به وقته، انسجام لازم را در مقابل یک غیر فراهم می‌کند، لذا شرط وجود هر صورت‌بندی منطق هم‌ارزی است

(حقیقت، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۳). در این راستا در پی شناخت عناصر گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی از نظریه گفتمان لاکلائو و موف استفاده شده است.

صورت‌بندی گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی

در ایران نیز از آغاز تاریخ منازعات سیاسی، دو جریان بزرگ در قالب نام‌های مختلف و با رهبری اشخاص گوناگون با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند. گرچه احزاب، گروه‌ها، نام‌ها و موضوعات در مقاطع مختلف به لحاظ اسمی متفاوت شده بودند، ولی رقابت اصلی همواره بین این دو جریان بزرگ پابرجا بوده است. این دو جریان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی نام دارد. با این وجود علاوه بر این دو گفتمان اصلی، گفتمان‌های دیگری پس از انقلاب اسلامی شکل گرفت که در ادامه به بررسی گفتمانها می‌پردازیم.

عنوان	شرایط و گفتمان
گفتمان قبض و بسط انقلابی (۱۳۵۸- ۱۳۵۷)	با وقوع انقلاب اسلامی، حامیان اسلام فقهاتی در ائتلاف با نیروهای مذهبی جناح لیبرال، هسته اولیه حاکمیت و قدرت سیاسی را تشکیل دادند. دولت موقت که پس از سرنگونی رژیم سلطنتی به ریاست مهندس مهدی بازرگان تشکیل شد، از میان نیروهای مذهبی جناح لیبرال برخاسته و شورای انقلاب در اختیار روحانیون اسلام بود. دولت بازرگان با ترکیبی از نیروهای لیبرال و مذهبی قدرت اجرائی را در دست گرفت؛ اما طیفی گسترده از نیروهای سیاسی سنتی و چپ بر سایر قوای کشور حاکم بودند، به تدریج ملی‌گرایان کنارنهاد شدند و نیروهای انقلابی حزب الله قدرت کافی کسب کردند
گفتمان حفظ-بسط محور (۱۳۶۸-)	با حمله گسترده نظامی عراق به ایران تحولات تازه‌ای رقم خورد و گفتمان امنیتی جدیدی در کشور حاکم گردید و انگیزه‌های ملی تا حدودی احیا گردید. در پرتو نقطه نظرات حفظ محورانه، مبادی ام‌القری مطرح شد که بر مبنای حفظ کشور به‌عنوان ام‌القرای کشورهای اسلامی

<p>تأکید می‌کرد.</p> <p>مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارزش‌های اسلامی و انقلابی این گفتمان، شامل مؤلفه‌هایی مانند استکبارستیزی، صدور انقلاب و عدالت اسلامی هستند. در این گفتمان، استکبارستیزی اهداف عمل‌گرایانه‌تری پیدا کرد. ورود مؤلفه مهم وطن‌دوستی به گفتمان حاکم، جهت‌گیری‌های پراگماتیست و عمل‌گرایانه در سیاست خارجی و انقباض سیاسی (مقابله قاطعانه و سخت‌گیرانه علیه گروه‌های سیاسی مخالف و معاند) نیز ریشه در حقایق و واقعیت‌های برآمده از شرایط جنگی داشت. گفتمان آرمان‌گرا، معتقد است که باید براساس آموزه‌ها و موازین اسلامی و تحقق آرمان‌ها، ارزش‌ها و احکام اسلامی به تدوین، تنظیم و اجرای سیاست داخلی و خارجی پرداخت. این گفتمان به دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرایی امت‌محور و آرمان‌گرایی مرکز‌محور تقسیم شده است. هر دو خرده‌گفتمان بر اصول و ارزش‌های اسلامی و منافع اسلام تأکید می‌کنند؛ اما در گفتمان مرکز‌محور اگر بین مصالح اسلامی و بقای مرکز (ام‌القرای جهان اسلام) تراحم پیش‌آید، حفظ کیان و بقای مرکز، اولویت دارد.</p>	<p>(۱۳۵۸)</p>
<p>با پایان جنگ تحمیلی و کاهش جدی تولید در بخش‌های گوناگون اقتصاد، کسری بودجه شدید، تقلیل و کاهش درآمدهای نفتی، رشد جمعیت، مسئله توسعه اقتصادی را در رأس تمامی امور قرار داد. اهتمام در جهت خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌های خارجی، ضمانت سرمایه‌ها، تقاضا جهت بازگشت نیروهای انسانی خارج از کشور و تقویت تولید صنعتی، بر نارسایی‌های اقتصادی بود دولت معتقد بود که چنانچه با برنامه ریزی، توسعه پایداری ایجاد کنند، الگویی عملی به جهان اسلام</p>	<p>گفتمان رشد محور (۱۳۶۸-) (۱۳۷۶)</p>

ارائه می‌دهند و در حقیقت موجودیت جمهوری اسلامی را تثبیت و انقلاب را به معنا و مفهوم دیگری به جهان صادر می‌کنند	
گفتمان اصلاح طلبی مجموعه نیروهای سیاسی هستند که عمدتاً در حول انتخابات سال ۱۳۷۶ شکل گرفتند و در ذیل دولت مشهور به اصلاح طلبی گرد آمدند. این گفتمان مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی دینی، آزادی بیان، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و تثبیت قانون اساسی، سیاست‌های جدیدی را مد نظر قرار داد و بر اساس ادعای اصلاح طلبان این مفاهیم در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی در حاشیه قرار گرفته بودند و احتیاج به بازاندیشی داشتند	گفتمان توسعه سیاسی (۱۳۸۴- ۱۳۷۶)
پس از گفتمان توسعه سیاسی، سیاست‌های جدید برخاسته از پارادایم فکری جدیدی بود که از بین مقوله‌های فراگفتمان انقلاب اسلامی، مؤلفه «عدالت اسلامی» را به عنوان مبنا و مرکز ثقل خود قرار داد. از این‌رو، در عرصه داخلی، ارائه و معرفی الگوی حکومت عدل اسلامی و در حوزه بین‌الملل و سیاست خارجی، مقابله با نظم بین‌المللی حاکم بر آن که از آن به‌عنوان نظام جهانی سلطه یاد می‌شد مورد توجه ویژه قرار گرفت	گفتمان قبض و بسط انقلابی (۱۳۸۴- ۱۳۹۲)

منبع: (ر.ک انصاری و هم‌تئی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۱۴)

مفصل بندی گفتمان‌ها

نیروها و سازمان‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی به چهار دسته کلی تقسیم می‌شدند: اول احزاب و گروه‌های طرفدار اسلام فقهاتی؛ دوم احزاب و گروه‌های لیبرال؛ سوم احزاب چپ‌گرای اسلامی و چهارم، احزاب و گروه‌های مارکسیست و سوسیالیست. از

میان این گروه‌ها، حامیان اسلام فقهاتی که نزدیک‌ترین حلقه به رهبر انقلاب بودند، در ائتلاف با نیروهای مذهبی جناح لیبرال، هسته اولیه حاکمیت و قدرت سیاسی را پس از پیروزی انقلاب تشکیل دادند. تا پیش از سال ۱۳۶۰ و بعد از آن شاهد شکل‌گیری رقابت بی‌دو گفتمان هستیم: گروه‌ای اصول‌گرای اسلامی و احزاب لیبرال طبقه متوسط با سقوط دولت موقت رقابت فوق‌به‌نفع احزاب و گروه‌های اصول‌گرا بیان پذیرفت. بعد از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ شاهد شکل‌گیری رقابت بین دو گروه از نیروهای سیاسی هستیم که در ذیل احزاب و گروه‌های اصول‌گرا قرار می‌گیرند یعنی راست و چپ سنتی. راست سنتی به طور کلی هوادار مالکیت خصوصی عدم دخالت گسترده دولت در اقتصاد و عدم کنترل تجارت داخلی و خارجی بود... ولی چپ سنتی از نوعی اقتصاد اسلامی، اصلاحات ارضی، قسط و عدالت، مداخله دولت در اقتصاد، وضع قانون کار، ملی کردن تجارت خارجی، منع ثروت اندوزی و... حمایت می‌کرد. از سال ۱۳۶۸ به بعد با تسلط گرایش اول اتخاذ سیاست‌های سرمایه‌دارانه، خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی مسیر انقلاب به راست سوق داد. به عبارتی در این دوره زمانی شاهد دور دوم غیریت‌سازی‌ها بین اسلام‌گرایا اصول‌گرای راست و اسلام‌گرایان رادیکال چپ هستیم (غلامی شکارسرای، ۱۳۹۵: ۱۹۱). با توجه به ادبیات شکل‌گرفته میتوان مفصل‌بندی گفتمان را در دولتهای مختلف به شکل‌های زیر ارائه داد:

نمودار ۱: مفصل‌بندی گفتمان قبض و بسط



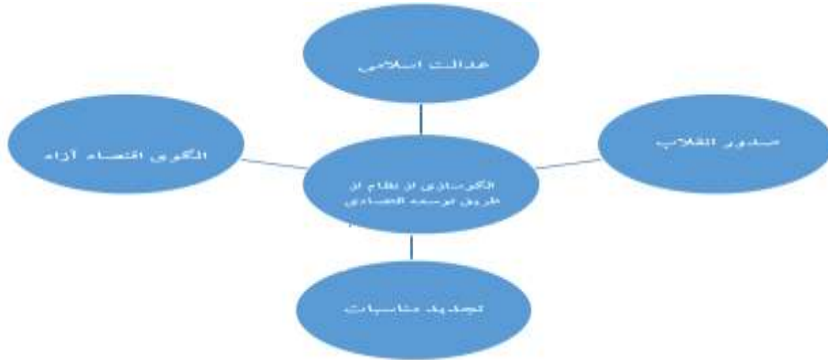
نمودار ۲: مفصل بندی گفتمان حفظ-بسط محور



ج) گفتمان سازندگی (رشد محور)

اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی منجر این پارادایم علیرغم بعضی دستاوردها از جمله افزایش رشد اقتصادی، به شکاف میان دو حوزه سیاست و اقتصاد (ناشی از رشد اقتصادی و تثبیت سیاسی) بیانجامد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۶). این گفتمان رویکردی تک ساحتی به مبحث توسعه داشت. از این جهت، تکوین ثبات از طریق ثبات نگاه داشتن سطح سیاسی، تعدیل ایدئولوژی و تجدید مناسبات با غرب، از دیگر مؤلفه های گفتمانی آن تلقی می شدند. برخی از تحلیل گران بر این باورند که با پایان یافتن جنگ عراق علیه ایران و خسارت های ناشی از جنگ، به تدریج دولت، برای سامان دادن به اوضاع بحران زده داخلی و بازسازی کشور، اصلاح طلبی اقتصادی را سرلوحه کار خویش قرار داد. نقطه کانونی این گفتمان را عمل گرایی در تنظیم و اجرای سیاست خارجی با رعایت ارزش های اسلامی تشکیل می داد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۶). (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹۳). در زیر نمودار گفتمان رشد محور ارائه شده است.

نمودار ۳: مفصل بندی گفتمان رشد محور



د) گفتمان اصلاح طلبی (توسعه سیاسی)

پایان جنگ دو پیامد به همراه داشت که به شکل گیری گفتمان اصلاح طلبی سرعت بخشید. اولین آن ضرورت بازسازی اقتصادی بود. سیاست‌های اقتصادی در این دوره مبتنی بر آزادسازی اقتصادی، خصوصی سازی و کاهش انحصارات دولت در اقتصاد بود. فشار سازمان‌های بین‌المللی، ورود بخش خصوصی داخلی و خارجی به عرصه اجتماع در کنار عوامل دیگر زمینه گسترش آزادی‌های مدنی را فراهم آورد (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). این گفتمان جدید بر محورهایی مانند جامعه مدنی، اجرای کامل قانون اساسی، توسعه سیاسی، گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی، مردم‌سالاری، تنش زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها تأکید می‌کرد (رضادوست و فاضلی‌پور، ۱۳۹۴: ۴). اصلاح‌طلبان بر اساس مشارکت گسترده مردم در انتخابات معتقد به توسعه سیاسی و فرهنگی و انجام اصلاحات مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی در این مرحله جدید از بلوغ سیاسی کشور بودند و بر این باور بودند بنا به تجربه دوم خرداد باید فضای سیاسی و اجتماعی کشور و فرایند تجمیع تقاضاهای مردم در قالب جدید و پایداری مانند جوامع مدنی و از جمله احزاب، سازمان‌دهی و نهادینه شود (رضایی و نظری، ۱۳۹۴: ۲۰۲). برجسته‌ترین دال‌های این گفتمان را دال‌هایی چون مردم، آزادی، جامعه مدنی، مشارکت مردمی، حقوق شهروندی، حوزه خصوصی افراد و کرامت انسانی، آزادی تشکیل‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها و

گروه‌های اجتماعی مردم‌نهاد، آزادی مطبوعات، پاس داشت حقوق زنان و اقلیت‌ها، ارتباط با جهانیان بیرون به‌ویژه غرب و پافشاری بر انگاره ایمن‌سازی فرهنگی و دینی سامان می دهند (ایزدی و رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۶۳). در زیر نمودار مفصل‌بندی گفتمان توسعه سیاسی ارائه شده است.

نمودار ۴: مفصل‌بندی گفتمان توسعه سیاسی



۵) گفتمان اصول‌گرایی

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبان درصدد بودند تا رویکرد انقلاب را قلب ماهیت کنند و سوژه‌ها را با ترسیم یک فضای اسطوره‌ای دیگر و پرداختن یک تصور اجتماعی در فضای رویکرد دیگری مفصل‌بندی سازند. این اقدام بر این مبنا بود که طراحان رویکرد اصول‌گرایی، ضمن سلب مشروعیت از رویکرد اصلاح‌طلبی به خاطر اینکه از منظر آن‌ها بعضی از اصول و مبانی انقلاب و نظام اسلامی را درنوردیده بود، رویکرد خویش را به منزله اصل و متن انقلاب انقلاب و نظام اسلامی ترجمه و تفسیر و بر آرمان‌های اصلی نظام اسلامی مبتنی سازند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۳-۵۴). مهمترین اصول و نشانه‌های گفتمانی اصول‌گرایی عبارتند از:

- تاکید بر نقش تاثیرگذار آموزه‌های دینی در عرصه زندگی سیاسی-اجتماعی؛
- تاکید بر نقش ولایت فقیه در نظام اسلامی با گرایش به نظریه انتصاب الهی ولی

فقیه؛

- تاکید بر ارزش‌های اسلامی؛
- تاکید بر عدالت اجتماعی-اقتصادی به عنوان نیاز واقعی مردم که بر اساس چنین نگرشی توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی مقدم می‌شود؛
- تاکید بر نقش ولایت فقیه به عنوان دال مرکزی این گفتمان است (حسینی زاده و حسینی زاده، ۱۳۹۳: ۶۸).

دیگر دال مرکزی عدالت به عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های این گفتمان، «اصول‌گرایی» است. به گونه‌ای که "عدالت" مرکز ثقل گفتمان اصول‌گرایی است و تمامی ادله‌ها و مفاهیم دیگر در رابطه و نسبت به آن معنا می‌یابند. در حقیقت این دال متعالی است که فصل‌بندی مفاهیم سیاست خارجی را در گفتمان اصول‌گرایی آش کرده گفتمان‌های دیگر اسلام‌گرایی، متمایز می‌سازد. بنابراین محور و مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب گفتمان اصول‌گرایی، عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری در عرصه بین‌المللی است (دهقانی فیروز آبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۹۱). در زیر نمودار مفصل‌بندی گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید ارائه شده است.

نمودار ۵: مفصل‌بندی گفتمان اصول‌گرایی (قبض و بسط انقلابی جدید)



مصادیق سیاست‌های دو گفتمان

در ادامه با به بررسی سیاست‌های ناشی از دو گفتمان اصلاح طلب و اصول‌گرا با مصادیق متفاوت بررسی خواهد شد:

پرونده هسته ای

دولت اصلاح طلب تلاش کرد با تکیه بر رویکرد غالب در سیاست خارجی یعنی تنش زدایی و تعامل بحران هسته ای را در درون گفتمان اصلاح طلبی معنادار نماید. چرایی کنش های گفتاری و رفتاری چون تعلیق غنی سازی، امکان امضای پروتکل الحاقی و اجرای آن، همکاری کامل با آژانس و آغاز مذاکرات با سه کشور اروپایی در همین چارچوب قابل فهم است. دولت اصلاحات که همه هم خود را بر عادی سازی روابط خارجی و تنش زدایی قرار داده بود مایل نبود موضوع هسته ای موانعی در این مسیر باشد و تلاش می کرد از طریق حاشیه ای کرد آن به سرعت و با کمترین هزینه از این مسئله عبور کند (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ برخلاف گفتمان اصلاح طلبی که به دنبال حاشیه رانی مساله هسته ای بود، اصولگراها درصدد برجسته سازی آن برآمدند، چرا که آن را نقطه ضعفی در رقیب قلمداد می کردند. همچنین فعالیت های هسته ای می توانست برای اصولگرایان نمادی از پیشرفت و توسعه اقتصادی در داخل و عدالت طلبی و استکبارستیزی در سیاست خارجی باشد. افزایش تحریمهای بین المللی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن موجب شد جناح رقیب اصولگرایی، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را فرصت مناسبی برای به حاشیه راندن گفتمان هسته ای اصولگرایان قلمداد کند (بای و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۱). در محدوده انتخابات ۱۳۹۶ نیز شاهد مفصل بندی جدید در جناح اصولگرا هستیم که در دوره قبل کمرنگ شده بودند. این مولفه ها مجدداً توسط اصولگرایان مفصل بندی شد که عبارتند از: غرب ستیزی، استکبارزدایی، تجدیدنظرطلبی و شالوده شکنی نظام بین الملل و باز تعریف «انرژی هسته ای حق مسلم ماست» (همان: ۳۸۳). مفصلبندی گفتمان هسته ای دولت اصولگرا مبتنی بر محورهای مختلفی بود که دال مرکزی آن را حق مسلم ملت ایران تشکیل میداد. سایر دالهای این مفصل بندی، استقلال، مقاومت، منزلت،

توسعه، فناوری بومی، اهداف صلح آمیز و عدالت بود (سلطانی گرد فرامرزی و اشرفی، ۱۳۹۷: ۱۱۰).



منبع: (سلطانی گرد فرامرزی و اشرفی، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش در پی آن بودیم که به بررسی کشف تفاوت‌ها و تشابهات دو رویکرد اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در دهه چهارم انقلاب اسلامی بپردازیم لذا با بررسی‌هایی که در این زمینه انجام شد نتایج ذیل حاصل گردید.

پس از انقلاب اسلامی دو جریان موسوم به اصلاحات و اصولگرا در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند. اصلاح‌طلبی جناح سیاسی است که پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ظهور کرد. سیاست‌های اصلاح‌طلبانه در دو حوزه داخلی (در قالب ایجاد جامعه مدنی) و خارجی (در بستر تنش‌زدایی و همکاری‌های مسالمت‌آمیز) تعریف می‌شود. اصلاح‌طلبان معتقد به توسعه فرهنگی، سیاسی و انجام اصلاحات مختلف سیاسی، اجتماعی، جوامع مدنی و احزاب بودند. بر این اساس درصدد تحقق ظرفیت‌های قانون اساسی به منظور تحقق هم‌زمان دو بنیاد اساسی انقلاب یعنی اسلامیت و جمهوریت بود. به طور کلی دوران ریاست دولت اصول‌گرا با دغدغه‌های فرهنگی و مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی کار خود را شروع کرد و عدالت‌گستری را به عنوان محوری‌ترین و ابتدائی‌ترین اصل دولت خود معرفی کرد. این جناح با احیای سنتها بر پایه نص و اسلام شیعی دلهایی چون فقرزدایی، توسعه اقتصادی، تهاجم فرهنگی و عدالت را حول دال مرکزی ولایت مفصل بندی کرده است (بای و همکاران، ۱۳۹۸:۳۹۱). این دو طیف سیاسی در سال‌های اخیر با رویکردهای متفاوت به اقتصاد، سیاست خارجی، سیاست داخلی، امور اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند. از مهمترین اصول و نشانه‌های گفتمانی اصولگرایی عبارتند از:

- تاکید بر نقش تاثیرگذار آموزه‌های دینی در عرصه زندگی سیاسی-اجتماعی؛
- تاکید بر نقش ولایت فقیه در نظام اسلامی با گرایش به نظریه انتصاب الهی ولی فقیه؛

- تاکید بر ارزش‌های اسلامی؛
 - تاکید بر عدالت اجتماعی-اقتصادی به عنوان نیاز واقعی مردم که بر اساس چنین نگرشی توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی مقدم می‌شود؛
- تاکید بر نقش ولایت فقیه به عنوان دال مرکزی این گفتمان است و گفتمان اصلاح طلبی نیز بر محورهایی مانند جامعه مدنی، اجرای کامل قانون اساسی، توسعه سیاسی، گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی، مردم‌سالاری، تنش‌زدایی تاکید دارد.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس، چاپ اول.
- بای، اکرم؛ نادرپور، بابک؛ مطلبی، مسعود (۱۳۹۸)، گفتمانهای سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا در ایران (۱۳۹۶-۱۳۹۲)، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۹۳-۲۷۵
- سلطانی گرد فرامرزی، مهدی؛ اشرفی، اکبر (۱۳۹۷)، مقایسه گفتمان هسته‌های در سیاست خارجی دولت نهم و دهم با گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۳۱-۱۰۳
- دهقانی فیروز آبادی؛ سید جلال؛ عطایی، مهدی (۱۳۹۳)، گفتمان هسته ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۱
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). «چهره متغیر امنیت ملی: بررسی امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، سال ۵، شماره ۴، تابستان، صفحات ۱۹-۵۲.
- ایزدی، رجب؛ رضایی‌پناه، امیر (۱۳۹۲). «مبانی اجتماعی و اقتصادی در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۴، بهار، صفحات ۴۷-۷۴.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: نشر موسسه تحقیقات و توسعه انسانی، چاپ اول.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۰). روش‌شناسی علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، قم.

رضادوست، کریم؛ فاضلی‌پور، سیده‌منا (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان اصلاح-طلبی و تاثیر آن بر تحولات اجتماعی ایران»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.

رضایی، حسن؛ نظری، بهزاد (۱۳۹۴). «مشارکت سیاسی در گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی»، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، سال ۴، شماره ۱۳، بهار، صفحات ۵-۲۶.

رهبری، مهدی (۱۳۸۶)، شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۶،

سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۹۴). قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ ذبیحی، رضا (۱۳۹۱)، «اثر هویت اسلامی-انقلابی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته ای (دوره خاتمی و احمدی نژاد)»، فصلنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره ۵۹

صادقی جعفری، جواد؛ احمدی زهرانی، فرزانه (۱۴۰۱)، تحلیل محتوای سرمقاله روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا از منظر تاکید بر ارزش‌های نوسازی (مطالعه موردی روزنامه‌های کیهان و اعتماد)، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، مرداد ۱۴۰۱، صص ۸۳-۶۱

قاسمی، کریم؛ اقاربرست، محمدرضا؛ شفیعی، اسماعیل (۱۳۹۹). «مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران»، سپهر سیاست، سال ۷، شماره ۲۵، تابستان، صفحات ۴۸-۷۶.

هنری، یدالله؛ آزرمی، علی (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی براساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۸، بهار، صفحات ۹۵-۱۱۸.

انصاری، منصور؛ همتی نژاد، ناهید (۱۳۹۹)، تحولات مفهومی امر انقلابی در گفتمان اصلاح طلبی، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۳۹-

۱۰۵

حسینی زاده، سید ابوالفضل؛ حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۹۳)، مسئله آزادی در دو گفتمان اصول گرا و اصلاح طلب، سپهر سیاست، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۳،

صص ۶۱-۱۵۸

غلام شکارسرای، محمدرضا (۱۳۹۵)، تحلیل گفتمان سیاست های قومی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی،

دوره ششم، شماره ۲۰

مجیدی، حسن؛ رحیمی نیا، محسن (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، فصلنامه پژوهش ای راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵،

تابستان ۱۳۹۷

Foucault, Michel (1974). *The archaeology of knowledge*, London, Taristock.

Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (1985). *Hegemony and Socialist Strategy*, London, Verso.